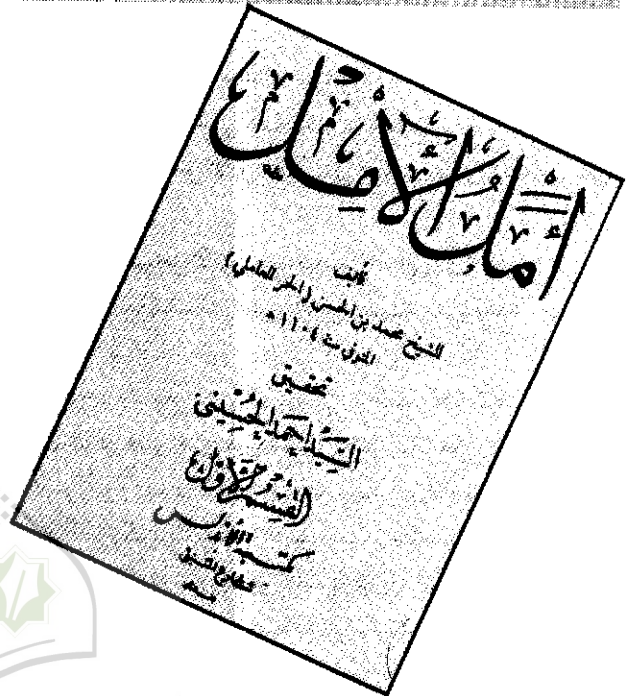


نقد « اهل الأمل »

از منظر « الذریعه »

سیدحسین فاطمی



نگارش درآمده است.

شیخ حرّ عاملی شرح حال دانشمندان را در دو بخش گرد آورده است: بخش نخست به شرح حال ۲۱۴ تن از علمای منسوب به جبل عامل اختصاص دارد. خواه متولد و بزرگ شده آنجا باشند یا تنها مدتی را آنجا گذرانده باشند یا اینکه آنجا را ندیده اند و صرفاً به آن دیار نسبت می دهند. در این بخش علمای اطراف جبل عامل نیز شناسانده شده اند.

نویسنده در فایده هفتم از مقدمه دلایل اختصاص یک بخش به علمای جبل عامل را توضیح می دهد. خلاصه آن چنین است: ادای حق و وطن، انضمام جبل عامل به سرزمین مقدس یا اتصال به آن، تقدم تشیع اهالی جبل عامل نسبت به دیگران، فراوانی علما و صلحا در آن سرزمین، دفن بسیاری از انبیا و اوصیا و علما و صلحا در آن محل و ...

بخش دوم اختصاص دارد به معرفی علمای متأخر از شیخ طوسی و برخی معاصرین او غیر از علمای جبل عامل. نویسنده در این بخش تنها به معرفی علمای برجسته ای پرداخته که شناساندن آنها از اهمیت بیشتری برخوردار است. شیوه نویسنده در دو بخش متفاوت است. در تدوین بخش نخست بنا بر تفصیل بیشتر است، اما در قسمت دوم، از معرفی اشخاص گذرا می گذرد.

امل الأمل، شیخ حر عاملی. تحقیق: سید احمد حسینی. بغداد، مکتبة الاندلس، ج ۲، ۲۴۲+۲۸۴ص.

مرحوم شیخ حر عاملی (۱۱۰۴ هـ. ق.) با معرفی ۱۳۳۶ تن از دانشمندان عصرهای مختلف در اهل الأمل توانست خدمت بزرگی به جامعه علمی ارائه دهد. اگر این تلاش شیخ حر عاملی نبود نامی از بسیاری از این دانشمندان و آثار آنها به ما نرسیده بود. در سایه این تلاش است که بسیاری از مجهولات کتابشناسی و تراجم از پرده ابهام به عرصه ظهور رسید. اگر در قرن های مختلف، دیگران نیز همین شیوه را پیش گرفته بودند، اکنون شرح حال دانشمندان بیشتر با مشخصات آثار آنان را در اختیار داشتیم. در حالی که مشخصات بسیاری از آنها در طول تاریخ از بین رفته و نسبت به آنچه به ما رسیده با ابهامی از ابهام مواجهیم. همین ابهام ها سبب شد تا شیخ آقا بزرگ تهرانی در ذریعه کتاب های متعدد از جمله اهل الأمل را مورد انتقاد قرار دهد.

امل الأمل از جمله آثار بسیار ارزنده شیعی است و چنانچه در فایده نهم در خاتمه اشاره می کند، این اثر با عنايات الهی به

۶. تکملة امل الآمل، سید حسن صدر (م ۱۳۵۴ هـ. ق.).
۷. الحواشی علی امل الآمل، سید حسن صدر (م ۱۳۵۴ هـ. ق.).
۸. تتمیم امل الآمل، سید عبدالعلی طباطبایی
۹. حاشیه امل الآمل، سید عبدالعلی طباطبایی
۱۰. اشتباهات الآمل، میرزا عبدالله افندی صاحب ریاض

العلماء

۱۱. اجازه، سید عبدالله جزائری (م ۱۱۷۳). اجازه دهنده، آن را همانند تکملة امل الآمل نگاشته است.
۱۲. تتمیم امل الآمل، عبدالنبی قزوینی یزدی (معاصر سید بحر العلوم)
۱۳. تتمیم امل الآمل، سید محمد بحرانی (ق ۱۲)
۱۴. تعلیقات علی الآمل، سید نعمة الله جزائری (م ۱۱۱۲ هـ. ق.)

مرحوم شیخ آقا بزرگ تهرانی از جمله کتابشناسان دقیقی است که در جای جای ذریعه بسیاری از کتاب ها را از زاویه کتاب شناسی مورد انتقاد قرار می دهد. یکی از آثار نقد شده توسط شیخ آقا بزرگ، کتاب امل الآمل است. مناسب دانستیم ایراداتی را که آقا بزرگ به صورت پراکنده در ذریعه اشاره کرده است، در یکجا گرد آوریم؛ با این امید که مورد استفاده پژوهشگران قرار گیرد و در صورتی که امل الآمل بار دیگر تصحیح شد، این نوشتار یکی از منابع تحقیق قرار گیرد.

یادآوری:

الف. مطالب این نوشتار عیناً ترجمه متن ذریعه نیست، بلکه با تحقیقی که در اطراف بعضی اشکالات انجام داده ایم، در برخی موارد، مطالبی را اضافه کرده ایم و پاره ای اشکالات تلخیص شده است. اما اصل اشکالات از شیخ آقا بزرگ است. در مواردی نیز از شیخ حر عاملی دفاع کرده ایم.

ب. تمام نشانی های امل الآمل در این نوشتار از متن تصحیح شده توسط جناب سید احمد حسینی است که ناشران مختلف آن را چاپ کرده اند. جهت تدوین مقدمه این مقاله از مقدمه ایشان بر امل الآمل بهره بردیم.

ج. شیخ آقا بزرگ اشکالی را به اثر دیگر شیخ حر یعنی وسائل الشیعه مطرح کرده است. با این تذکر آقا بزرگ، روایت های زیادی از ارسال خارج می شوند. نظر به اهمیت این اشکال و اینکه بزرگان دیگری نیز به اشتباه افتاده اند، در پایان آن را نیز ذکر خواهیم کرد.

* در جلد دوم، ص ۱۶۰ به نقل از سلافة العصر تألیف سید

گذشته از مطالب اصلی، نویسنده، مقدمه و خاتمه ای سودمند بر کتاب نگاشته است. مقدمه دارای دوازده فایده در موضوعات زیر است:

جایگاه راویان و محدثان، جواز شناسایی شرح حال رجال؛ چگونگی شناخت عدالت؛ متنبه کردن آنان که لغزشی از پیشینیان می بینند و آن را فضلی برای خود می دانند؛ ترجیح متقدمین بر متأخرین و برعکس؛ علت معرفی علمای بعد از شیخ طوسی؛ دلیل تقدیم علمای جبل عامل بر دیگران؛ گسترده گی تفحص در حالات علمای متأخر؛ وجوب عمل به اخبار ثقات و روایات کتاب های مورد اعتماد امامیه؛ مصادر امل الآمل؛ شعر و فصاحت علما؛ کسانی که مؤلف از آنان روایت می کند و برعکس.

خاتمه نیز شامل دوازده فایده در موضوعات زیر است:

کتاب های مجهول که ابن شهر آشوب از آنها نام برده؛ نام هایی که تنها در معالم العلماء است؛ عده ای که ممدوح یا مذموم بودن آنها روشن نیست؛ سبب عدم ذکر علمای عامه که آثار آنها با عقاید شیعی موافق است؛ کسانی که به لقب شهرت دارند؛ مهم ترین طرق مشایخ روایت؛ طریق نویسنده در اجازه روایت؛ سبب کمی نقل از کتاب های برخی عامه؛ ذکر خواب نویسنده جهت تدوین امل الآمل؛ امل الآمل متمم کتاب میرزا محمد بن علی استرآبادی در رجال؛ اصالت مذهب شیعه امامی و....

نظر به اهمیت امل الآمل، از زمان تألیف تا عصر حاضر همواره مورد توجه محققان بوده است. توجه زیاد به آن سبب شده برخی دانشمندان، درباره آن کتاب هایی را بنویسند. در اینجا به معرفی آثاری که شیخ آقا بزرگ در مصفی المقال ثبت کرده است، اکتفا می کنیم:

۱. تتمیم امل الآمل، سید امیر ابراهیم تبریزی (م ۱۱۴۹ هـ. ق.).
۲. حواشی امل الآمل، سید امیر ابراهیم تبریزی (م ۱۱۴۹ هـ. ق.).
۳. منتخب امل الآمل، محمد ابراهیم تبریزی شیرازی (ق ۱۴)
۴. التعلیقة علی امل الآمل، محمد باقر مجلسی صاحب بحار الانوار (م ۱۱۱۰ هـ. ق.).
۵. منتخب امل الآمل، محمد تقی گلپایگانی نجفی (م ۱۲۹۲ هـ. ق.).

علی خان مدنی (م ۱۱۱۹ هـ. ق.) کتاب شرح قواعد الاحکام به عبدالله بن حسین یزدی نسبت داده شده است. چنین نسبتی صحیح نیست و نویسنده شرح قواعد الاحکام عبدالله بن حسین شوشتری است و کلمه «تستری» به «یزدی» تغییر یافته است؛ زیرا:

الف. سلافة العصر تنها به شرح حال علمای قرن یازدهم می پردازد. در حالی که عبدالله بن حسین یزدی شهابادی در سال ۹۸۱ هـ. ق. وفات یافته است.

ب. در سلافة العصر پس از شرح حال عبدالله یزدی و معرفی شرح او بر قواعد بدون فاصله شرح حال فرزند او مولی حسن علی نقل شده است. بی تردید وی فرزند عبدالله شوشتری است به یزدی. بنابراین واژه «تستری» به «یزدی» تغییر یافته است. (ذریعه، ج ۱۴، ص ۲۰)

* در جلد دوم، صفحه ۱۵۴ شرح حال عبدالعلی بن رحمه حویزی نقل شده و دو صفحه بعد، شرح حال عبدالعلی بن ناصر بن رحمه بحرانی آمده است. ظاهراً شیخ حر عاملی دو عنوان را برای دو نفر دانسته؛ در حالی که هر دو، مشخصاً یک نفر است. (ذریعه، ج ۲۳، ص ۲۶۰)

دقت در نام کتاب ها در ذیل هر دو اسم نشان می دهد که بیشتر آنها ادبی است و تمام کتاب هایی که به عنوان آثار عبدالعلی بن ناصر معرفی شده، به عنوان آثار عبدالعلی بن رحمه نیز ذکر شده است. همچنین به نقل از حاشیه نسخه ای خطی از امل الآمل در پاورقی آمده است: عبدالعلی را فراوان به جدش نسبت می دهند (و نام پدر را می اندازند) بلکه تنها با او شناخته می شود.

* در جلد دوم، صفحه ۲۷۷ از جمله آثار مولی محمد طاهر بن محمد حسین قمی (م ۱۰۹۸ هـ. ق.) کتاب الاربعین فی فضائل امیر المؤمنین شمرده شده است. چنین عنوانی ظهور در این دارد که محتوای کتاب، چهل حدیث در فضیلت امام علی (ع) است. اما محتوای آن نشان می دهد کتاب در ردیف آثار کلامی است نه روایی؛ زیرا نویسنده چهل دلیل از روایات و غیر روایات جهت اثبات امامت امیر المؤمنین (ع) ذکر می کند. ظاهراً شیخ حر کتاب را ندیده است. (ذریعه، ج ۱، ص ۴۳۴)

جناب سید احمد حسینی، امل الآمل را از روی چند نسخه تصحیح کرده است. در میان نسخه های متعدد تنها در یک نسخه که دارای لغزش ها، تصحیفات و افتادگی های فراوان است، نام کتاب به همان صورتی ذکر شده که آقا بزرگ نوشته است. اما در نسخه های دیگر، این گونه معرفی شده: «کتاب الاربعین فی فضائل امیر المؤمنین و امامة الائمة الطاهرين عليهم السلام»

بنابراین اشکال شیخ آقا بزرگ بر امل الآمل وارد نیست. درخور توجه است که ذریعه و امل الآمل هیچ کدام نام کامل کتاب را نقل نکرده اند. آقا بزرگ در دو جای ذریعه از این کتاب نام می برد. در جلد اول، صفحه ۴۱۹ این گونه نام می برد: «الاربعون حديثاً و دليلاً في امامة الائمة الطاهرين عليهم السلام» در همان جلد، صفحه ۴۳۴ می نگارد: «الاربعون دليلاً لامامة امير المؤمنين والائمة المعصومين عليهم السلام» و با اینکه آقا بزرگ کتاب را دیده است، به نام کتاب که نویسنده به آن تصریح می کند توجه نکرده است. نویسنده در مقدمه، کتاب را این گونه می نامد: «سميته الاربعين في امامة الائمة المعصومين»

اشکال وارد به نویسنده الاربعين این است که چنین نامگذاری از جهت ادبی درست نیست. زیرا وجهی برای منصوب یا مجرور بودن «الاربعين» - به عنوان نام کتاب - نیست و اگر «الاربعون» باشد سجع عنوان کتاب به هم می خورد. احتمال دارد کلمه «کتاب» افتاده است و عبارت درست این گونه باشد: «سميته كتاب الاربعين في امامة الائمة الطاهرين». مؤید چنین احتمالی این است که شیخ حر عاملی هنگام معرفی این اثر کلمه «کتاب» را ذکر کرده است.

این کتاب با تصحیح جناب سید مهدی رجایی در سال ۱۴۱۸ هـ. ق. به نام «الاربعين في امامة الائمة الطاهرين» نشر یافته است.

* در جلد اول، صفحه ۱۲۳ تاریخ فوت محقق کرکی صاحب جامع المقاصد سال ۹۳۷ ضبط شده است. در حالی که شاه طهماسب در سال ۹۳۹ فرمان بزرگی برای وی نوشت که متن آن در ریاض العلماء آمده است. تاریخ صحیح فوت محقق کرکی ۹۴۰ است. چنانچه در تاریخ خاتون آبادی و عالم آرا ذکر شده است.

گویا منشاء اشتباه شیخ حر عاملی این است که روی نسخه ای از جلد نخست جامع المقاصد که کتابت آن به سال ۹۴۹ باز می گردد، سال فوت مؤلف ۹۳۷ نوشته شده است و چون سال کتابت به عصر نویسنده نزدیک است، شیخ حر عاملی با مشاهده این نسخه، سال ۹۳۷ را ترجیح داده است. (ذریعه، ج ۵، ص ۷۳)

در نسخه تصحیح شده امل الآمل که در اختیار داشتیم، سال

را دو کتاب مستقل دانسته است، ولی صاحب ریاض که استاد این فن است، تصریح می کند که شرح آیات الاحکام همان فقه القرآن است. (ذریعه، ج ۱۳، ص ۵۵)

* در جلد دوم، صفحه ۲۵۲ در نسخه چاپی تاریخ فوت مولی محمد تقی استرآبادی سال ۱۵۸ ضبط شده است. حال آنکه چنین تاریخی قطعاً اشتباه است. زیرا شیخ حرّاز او به عنوان معاصر یاد می کند. ظاهراً او هنگام تألیف *امل الامل* یعنی سال ۱۰۹۱ حیات داشته است. صاحب *نجوم السماء* در صفحه ۱۴۲ از کتاب *شهور العقیان* نقل می کند که تولد استرآبادی سال ۱۰۳۷ و وفات او سال ۱۱۱۰ است. بنابراین مدت حیات او ۷۳ سال بوده است. (ذریعه، ج ۱۴، ص ۱۰۸)

در نسخه مصحح توسط جناب سید احمد حسینی سال ۱۰۵۸ ضبط شده است. بنابراین در استنساخ چاپ سنگی که در اختیار آقا بزرگ بوده اشتباه شده است. حتی در *نجوم السماء* از کتاب *امل الامل* به حروف، سال یک هزار و پنجاه و هشت نقل شده است.

نکته قابل تأمل دیگر در کلام آقا بزرگ این است که معرفی کسی به عنوان معاصر، ظهور در این ندارد که او هنگام تألیف کتاب، حیات داشته است.

* در جلد اول، صفحه ۴۴ کتاب *معرفة الائمة* تألیف تاج الدین بن علی حسینی معرفی شده است. ظاهراً نام درست کتاب، *التمة فی معرفة الائمة* است. (ذریعه، ج ۱۲، ص ۲۳۰) باید یادآور شد که در نسخه مصحح *امل الامل* «التمة» ذکر شده است.

* در جلد دوم، صفحه ۱۲۸ و ۱۲۹ ابوالحسن سلمان بن حسن بن سلمان صهرشتی و سلیمان بن حسین بن محمد صهرشتی معرفی شده اند. در واقع این دو نام، ویژه یک نفر است که در نام او اختلاف نظر وجود دارد. از او به سلمان و سلیمان و از پدر او به نام های حسن و حسین و حصین یاد شده است و از جد او به سلیمان و محمد بن عبدالله و محمد بن سلیمان نام برده شده است.

صاحب ریاض، چنین استظهار می کند که تمام تعبیرها از یک نفر است. نام صحیح او سلیمان است. چنانچه در *معالم العلماء* و بیشتر نسخه های *فهرست* شیخ منتجب الدین این گونه ضبط شده است. شیخ حرّ، سلمان را از *فهرست* شیخ منتجب الدین و سلیمان را از *معالم العلماء* نقل کرده و دو نفر پنداشته است. در حالی که هر دو شرح حال در دو کتاب به یک صورت است. اگر این دو ویژگی برای دو نفر بود، عادتاً باید نویسنده های *معالم العلماء* و *فهرست* به دو نفر بودن آنها واقف می شدند؛ زیرا آنان به

۹۳۳ به عنوان سال فوت محقق کرکی ضبط شده است.

* در جلد دوم، صفحه ۱۶۸ نام و نسب نویسنده انساب *الرسول و اولاد البتول* (معاصر شیخ طوسی) از *فهرست* شیخ منتجب الدین این گونه ضبط شده است: «عبدالله بن موسی بن احمد بن محمد بن احمد بن موسی بن جعفر بن محمد بن علی بن الحسين بن علی بن ابی طالب علیهم السلام».

صاحب ریاض نیز همین نسب را از *فهرست* شیخ منتجب الدین نقل می کند. سپس این اشکال را مطرح می کند که اگر وی از نوادگان احمد بن موسی (شاه چراغ) است با توجه به کمی واسطه ها چگونه می تواند معاصر یا متأخر از شیخ طوسی باشد؟

میرزا حسین نوری در *البدیع المشتمع* شرح حال و زمان حیات اجداد عبیدالله بن موسی را نقل می کند و شیخ منتجب الدین نیز در *فهرست* خود برخی معاصرین و متأخرین او را معرفی می کند و با توجه به قراین دیگر تردیدی باقی نمی ماند که عبیدالله بن موسی معاصر شیخ طوسی بوده است. لیکن نسخه *فهرست* شیخ منتجب الدین که در اختیار شیخ حرّ و صاحب ریاض بوده، افتادگی داشته است. نسب صحیح او چنین است: عبیدالله بن موسی بن احمد بن محمد بن احمد بن موسی مبرقع بن ابی جعفر جواد (ع) بن علی بن موسی بن جعفر بن محمد علیهم السلام. (ذریعه، ج ۲، ص ۳۷۹)

* در جلد دوم، صفحه ۳۳۸ در توصیف *نزّه النواظر* تألیف ورام بن ابوفراس می نگارد: «حسن الآن فی الغث والسمین» چنین طعنی به نویسنده *نزّه النواظر* بی جااست. زیرا ورام آثار ائمه (ع) را همراه اخبار اهل سنت نقل کرده تا عامّه به مطالعه آن راغب شوند و سبب هدایت آنان گردد. (ذریعه، ج ۲۴، ص ۱۳۱)

باید گفت چنین طعنی بی جا نیست؛ زیرا طعن شیخ حرّ به ورام نیست، بلکه به کتاب او است. اگرچه ورام هدفی نیکو داشته است؛ اما بالاخره کتاب او آمیخته به درست و نادرست است.

* در جلد دوم، صفحه ۱۲۷ ضمن معرفی آثار قطب الدین راوندی (م ۵۳۷ هـ. ق.) از کتاب های شرح آیات الاحکام و فقه القرآن جداگانه نام می برد. این نشان می دهد شیخ حرّ عاملی آنها

سلمان و سلیمان (به فرض که دو نفر باشند) قریب العهد بودند. (ذریعه، ج ۲، ص ۱۱۹)

مؤید دیگر که این دو ویژگی برای یک نفر است، اینکه در امل الآمل ذیل سلمان کتاب التنبیه معرفی شده و ذیل سلیمان کتاب تنبیه الفقیه معرفی شده است. ظاهراً هر دو عنوان، برای یک کتاب است.

* در جلد دوم، صفحه ۷۷ نویسنده ارشاد القلوب، حسن بن محمد دیلمی معرفی شده است. اما صاحب ریاض تصریح می کند که پدر نویسنده ارشاد القلوب تنها به کنیه شناخته شده است و محمد نام جد اوست. نام صحیح نویسنده چنین است: ابومحمد حسن بن ابی الحسن بن محمد دیلمی. (ذریعه، ج ۱، ص ۵۱۷)

* در جلد دوم، صفحه ۲۵۳ ضمن معرفی محمد بن ابی جمهور احسائی به کتاب الاحادیث الفقهیه علی مذهب الامامیه به عنوان یکی از آثار او اشاره می کند. اما ابن ابی جمهور در مقدمه، از کتاب خود این گونه نام می برد: درر اللثالی العمادیه فی الاحادیث الفقهیه.

برخی دیگر نیز از کتاب او به اشتباه نام برده اند. در بحار و ریاض و مقابیس آن را ثر اللثالی ذکر کرده اند و صاحب روضات با این که جلد نخست را دیده است، آن را اللثالی العزیزیه معرفی می کند. (ذریعه، ج ۸، ص ۱۳۴)

* در جلد دوم، صفحه ۲۴۰ به نقل از فهرست شیخ منتجب الدین کتاب الروضة الزهراء فی تفسیر الزهراء از آثار ابوسعید محمد بن احمد نیشابوری شمرده شده است. وی جد ابوالفتح رازی است. ابوالفتح در تفسیر خود، در تفسیر سوره آل عمران دو حدیث درباره مناقب حضرت زهرا(س) از این کتاب نقل می کند و تصریح می کند که آن در موضوع مناقب حضرت زهرا(س) است.

لیکن در فهرست شیخ منتجب الدین الروضة الزهراء فی تفسیر فاطمة الزهراء ضبط شده است که نام صحیح کتاب الروضة الزهراء فی مناقب فاطمة الزهراء است. شاید منشأ آن، اشتباه کاتب باشد و شیخ حرّینز این نام را از فهرست گرفته و کلمه «فاطمه» را انداخته است. گویا «الزهراء» را صفت «سوره» قرار داده است. زیرا به سوره های بقره و آل عمران «زهراوین» می گویند و مفرد آن «زهراء» است. (ذریعه، ج ۱۱، ص ۲۹۴)

در متن مصحح امل الآمل و دو نسخه چاپ سنگی، الروضة الزهراء فی تفسیر فاطمة الزهراء ضبط شده است. بنابراین بخش پایانی کلام آقا بزرگ که شیخ حرّ کلمه «فاطمه» را انداخته است، وارد نیست.

* در جلد اول، صفحه ۱۸۰ شیخ شمس الدین محمد بن مکی از کتاب بغیة المرید تألیف ابن عودی معرفی شده است. در بغیة المرید آمده است که شهید ثانی در شام نزد شیخ شمس الدین محمد بن مکی کتاب های شرح الموجز و غایة القصد را خواند. از بغیة المرید استفاده نمی شود که وی عاملی است. بنابراین وجهی نداشت که او در جلد نخست در میان علمای جبل عامل معرفی شود. (ذریعه، ج ۱۶، ص ۱۴)

این امکان وجود دارد که نویسنده امل الآمل، عاملی بودن او را از جای دیگر به دست آورده باشد.

* در جلد اول، صفحه ۱۶۲ کتاب مختلف النحاة به عنوان یکی از آثار شیخ محمد بن علی حرفوشی حریری شمرده شده است. اما چنانچه در خلاصة الاثر آمده است، نام صحیح کتاب، نهج النجاة فی ما اختلف فيه النحاة است. (ذریعه، ج ۲۰، ص ۲۱۸ و ج ۲۴، ص ۴۲۶)

* در جلد دوم، صفحه ۱۰۰ نویسنده نزهة الناظر و تنبیه الخواطر و نویسنده مقصد الراغب الطالب فی فضائل علی بن ابی طالب(ع) یک نفر دانسته شده؛ یعنی حسین بن محمد بن حسن. اما نویسنده این دو کتاب دو نفرند و میان آنها تشابه اسمی وجود دارد.

نویسنده نزهة الناظر از ابوالقاسم علی فرزند شیخ مفید (م ۴۱۳ هـ. ق.) روایت نقل می کند و صاحب مقصد الراغب نیز از ابراهیم بن علی بن ابراهیم قمی فراوان روایت می کند. در نتیجه - چنانچه علامه مجلسی در بحار، جلد اول، صفحه ۲۳ تصریح می کند - زمان حیات او نزدیک عصر شیخ صدوق (م ۳۸۱ هـ. ق.) بوده است. بنابراین صاحب مقصد الراغب پیش از صاحب نزهة الناظر می زیسته است. (ذریعه، ج ۴، ص ۱۲۹ و ج ۲۲، ص ۱۱۱)

* در جلد دوم، صفحه ۳۶۴ کتاب الزام النواصب بامامة علی بن ابی طالب در ضمن آثاری معرفی شده که نویسنده آنها معلوم نیست. شیخ سلیمان ماحوزی در فهرست آل بویه و علماء البحرين، صفحه ۷۰ مؤلف این اثر را مفلح بن حسن بن راشد صیمری معرفی می کند. (ذریعه، ج ۲، ص ۲۹۰)

* در جلد دوم، صفحه ۲۷۷ از جمله آثار محمد صالح قزوینی معروف به روغنی ترجمه نهج البلاغه معرفی شده است؛

وی مصادقة الاخوان است.

ثانیاً، در کتاب مورد استناد شیخ حر در موارد متعدد بی واسطه از محمد بن یحیی عطار و علی بن ابراهیم بن هاشم قمی و سعد بن عبدالله اشعری روایت شده است. حتی گاه با لفظ «حدثنی» روایت شده که در بی واسطه بودن صراحت دارد. در حالی که هیچ کدام آنها از مشایخ شیخ صدوق نیستند. وی همیشگی در آثار دیگر به واسطه پدر یا دیگران از آنها روایت می کند.

حل این ابهام به این صورت است که بنا به نقل شیخ طوسی و نجاشی، پدر شیخ صدوق کتابی به نام الاخوان داشته است.^۱ شیخ صدوق نیز کتابی به نام مصادقة الاخوان نگاشته^۲ که به ما نرسیده است. آنچه در دست ماست و به مصادقة الاخوان شهرت یافته، در واقع کتاب الاخوان تألیف علی بن بابویه پدر شیخ صدوق است و سه راوی مذکور، مشایخ اویند. (ذریعه، ج ۱، ص ۳۸۲ و ج ۲۱، ص ۹۷)

در این باره یادآوری چند نکته خالی از لطف نیست:

الف. این اشکال تنها متوجه شیخ حر عاملی نیست؛ بلکه بزرگان دیگری نیز مرتکب همین اشتباه شده اند. مانند علامه مجلسی در بحار و شیخ انصاری در مکاسب.

ب. در وسایل هر جا روایتی از الاخوان نقل شده که بی واسطه از آن سه تن است، گویا شیخ حر جهت تصحیح متن کتاب و اصلاح زنجیره سند، عبارت «عن ابيه» را اضافه کرده است (ر. ک: وسایل، ج ۱۸، ص ۶۱ و ج ۸، ص ۴۰۴ و ۵۰۱)

ج. کتاب الاخوان به نام مصادقة الاخوان چاپ و به شیخ صدوق نسبت داده شده است.

د. ممکن است این سؤال پیش آید که با توجه به عادل و امامی بودن شیخ صدوق و پدر او ثمره اثبات اینکه کتاب از علی بن بابویه است، چیست؟

جواب: در صورتی که کتاب از شیخ صدوق باشد، تمام روایات فراوانی که به واسطه آن سه تن نقل شده مرسل خواهند بود؛ زیرا واسطه میان شیخ صدوق و آنها افتاده است. اما اگر کتاب از علی بن بابویه باشد، روایات مزبور از این جهت قابل خدشه نیست.

○

اما این اثر شرح مبسوط بر نهج البلاغه است و در سال ۱۳۲۱ هـ. ق. به چاپ رسیده است. (ذریعه، ج ۴، ص ۱۴۵)

* در جلد دوم، صفحه ۲۰۶ می خوانیم: «قد نقل الحسن بن سلیمان بن خالد تلمیذ الشهید فی کتاب مختصر البصائر من کتاب البشارة لابن طاوس.»

سید اعجاز حسین نیز در کشف الحجب، صفحه ۸۵ به این نقل اشاره می کند. در خور توجه است که به جز مختصر البصائر در جای دیگر نام البشارة به سید بن طاوس (م ۶۶۴ هـ. ق.) نسبت داده نشده است. در اینجا دو احتمال وجود دارد:

الف. مراد نویسنده مختصر البصائر، البشارات بقضاء الحاجات تألیف سید بن طاوس است و لفظ «البشارات» به «البشارة» تغییر یافته است.

ب. نویسنده البشارة سید مجدالدین پسر برادر سید بن طاوس است. با توجه به این که او نیز ابن طاوس است و وقتی به طور مطلق به کار می رود، بر سید رضی الدین علی بن طاوس حمل می شود، شیخ حر او را سید بن طاوس پنداشته است. (ذریعه، ج ۳، ص ۱۱۳)

* در جلد دوم، صفحه ۶۵ ارجوزة فی تاریخ الملوك والخلفاء و ارجوزة فی تاریخ القاهرة و ارجوزة فی نظم الفیة الشهید و آثار دیگر به حسن بن راشد نسبت داده شده است. در اینکه ارجوزة فی نظم الفیة الشهید از حسن بن راشد شاگرد فاضل مقداد (م ۸۲۷ هـ. ق.) است، تردیدی نیست؛ اما تاج الدین حسن بن راشد نیز معاصر فخر المحققین (م ۷۷۱ هـ. ق.) بوده که فقیهی ادیب و سروده هایی داشته است. با این که او از فقیهان برجسته بوده، شیخ حر از او آگاهی نیافته است. بنابراین احتمال دار ارجوزة فی تاریخ الملوك والخلفاء و ارجوزة فی تاریخ القاهرة از تاج الدین حسن بن راشد معاصر فخر المحققین باشد. در این صورت تاریخ سروده شدن این دو ارجوزة پیش تر خواهد بود. (ذریعه، ج ۱، ص ۴۶۵)

* در جلد اول، صفحه ۱۶۳ کتاب دلیل الهدی فی شرح قطر السند تألیف شیخ محمد بن علی حریری حروفوشی (م ۱۰۵۹ هـ. ق.) این گونه معرفی شده: «شرح القطر للفاکهی» در حالی که قطر السند تألیف ابن هشام است. (ذریعه، ج ۸، ص ۲۶۲)

* شیخ حر عاملی در جای جای وسائل الشیعه از جمله جلد هشتم، صفحه ۴۱۰ و ۴۱۴ (چاپ بیروت) کتاب الاخوان را به شیخ صدوق نسبت داده است و روایات فراوان از آن نقل می کند. به این عمل شیخ حر دو اشکال وارد است: اولاً، شیخ صدوق کتابی به نام الاخوان ندارد؛ بلکه نام کتاب

۱. الفهرست، شیخ طوسی، نجف، چاپ دوم، ص ۱۱۹. رجال النجاشی،

تحقیق: سید موسی شبیری زنجانی، ص ۲۶۱.

۲. رجال النجاشی، ص ۳۹۰.